



# امتحانات متمرکز تکمیلی (سطح ۳)

زمان: ۱۰ صبح ۱۵ دقیقه ۹۰ دقیقه

شماره نام خانوادگی	نوع مدرسه	نوع مدرسه
شماره نام خانوادگی دوم	نوع مدرسه	نوع مدرسه

نیم سال اول ۹۸-۹۷  
رشته مطالعات زبان ورودی مهر ۹۵

مهر مدرسه

کتاب: ۳۹۷۱/۰۶
برج: ۱۳۹۷/۱۰/۲۴
موضوع: فقه تخصصی ۳
کتاب: دروس تمهیدیة فی القواعد الفقهية
موضوع: جلد اول: قواعد لا ضرر (ص ۱۶۸-۸۵) و لا حرج (ص ۱۸۳-۱۶۹) و جلد دوم: قواعد غرور (ص ۱۶۶-۱۵۱) و فرائض (ص ۲۰۱-۱۸۳)

نام و نام خانوادگی: نام پدر: نام مدرسه: شهر: استان:

۰/۵

۱- کدام گزینه به برداشت شیخ شریعه اصفهانی از مضمون قاعده «لا ضرر» اشاره صحیحی دارد؟ ج ۱ ص ۸۹

- الف. النهی عن الاضرار بالآخرین و لیست بناظره إلى الاحکام الشرعية و نفيها حالة لزوم الضرر
- ب. ان کل حکم یتسبب من ثبوته ضرر علی المکلف فهو مرفوع و غیر ثابت فی الشریعة
- ج. کل حکم شرع فی الإسلام فهو ثابت ما دام لا یلزم من ثبوته ضرر علی المکلف
- د. فی ای فتره و حالة یلزم الضرر من ثبوت حکم شرعی فیها کان الحکم مرتفعا

۰/۵

۲- از دیدگاه مصنف مقصود از جمله اول و جمله دوم حدیث «لا ضرر و لا ضرار» چیست؟ ج ۱ ص ۱۲۱ و ۱۳۰ و ۱۳۱

- الف. الأولى تفید النهی دون الثانية
- ب. الثانية تفید النهی دون الأولى
- ج. الثانية تفید النفی دون الأولى
- د. الأولى و الثانية تفیدان النهی

۰/۵

۳- آیه شریفه «وَ إِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ» (نساء: ۵۸) مستند کدام قاعده است؟ ج ۱ ص ۱۶۴

- الف. عدل و انصاف
- ب. قاعده «لا تعاد»
- ج. قاعده «لا ضرر»
- د. علم «قیافه»

۰/۵

۴- در کدام یک از گزینه‌های زیر در صورت بچه‌دار شدن زن، پدر بچه با قرعه تعیین می‌شود؟ ج ۲ ص ۱۹۳ و ۱۹۴

- الف. تحلیل المولی جاریته لشخص فتره
- ب. وطی المرأة فتره الزوجية شخص آخر شبهة
- ج. الجارية المملوكة لمولاها إذا وطئها اثنان فی طهر
- د. عدم وجود زوج للمرأة و وطئها شخصان أحدهما شبهة و الآخر بالزنا

۲

۵- طبق نقل شیخ صدوق از روایت لا ضرر: «لا ضرر فی الإسلام» به سؤالات زیر پاسخ دهید. ج ۱ ص ۱۰۰ - ۲ نمره

الف) بنا به قول بعضی از فقهاء اراده حرمت تکلیفی از روایت «لا ضرر» طبق نقل مذکور امکان پذیر نیست. دلیل ایشان چیست؟

جواب: زیرا معنا ندارد شارع مقدس به شکل انشایی بگوید: «لا تضر فی الإسلام»؛ در اسلام ضرر نزن»

ب) یکی از راه‌حل‌های مصنف برای رفع تنافی بین قید «فی الإسلام» و اراده حرمت تکلیفی از روایت «لا ضرر» را تبیین کنید.

جواب: راه حل اول: جمله «لا ضرر و لا اضرار فی الإسلام» جمله‌ای خبری است که در مقام انشاء به کار رفته است. یعنی ضرر رسانی به قدری نزد شارع، مذموم و قبیح است که فقدان آن را مسلم گرفته و خبر از نفی آن داده است.

راه حل دوم: خبر «لا» در جمله «لا ضرر و لا اضرار فی الإسلام» محذوف بوده و تقدیر آن «لا ضرر جائزاً فی الإسلام» است؛ در نتیجه جواز ضرر رسانی به دیگران از سوی شارع نفی شده و حرمت تکلیفی آن اثبات می‌گردد. [ذکر یکی از دو راه حل کافی است]

۲

۶- با محوریت نظریات مصنف درباره مفردات حدیث «لا ضرر و لا ضرار» به سؤالات زیر پاسخ دهید. ج ۱ ص ۱۱۲ تا ۱۱۴ و ص ۱۱۸ - ۲ نمره

الف) امور سه‌گانه‌ای که به عنوان مصادیق نقص مطرح شده، چیست؟ (۰/۷۵ نمره)

جواب: نقص در بدن (۰/۲۵ نمره) و مال (۰/۲۵ نمره) و آبرو (۰/۲۵ نمره)

ب) مصداق چهارمی که مصنف به مصادیق نقص اضافه می‌کند، چیست؟ (۰/۲۵ نمره)

جواب: نقص در حقوق (۰/۲۵ نمره)

ج) کدام یک از دو واژه «ضرر» و «ضرار» بر مصدر و کدام یک بر اسم مصدر دلالت دارد؟ (۰/۵ نمره)

جواب: «ضرر» اسم مصدر است (۰/۲۵ نمره) و «ضرار» مصدر است (۰/۲۵ نمره)

د) فرق اساسی بین دو واژه «ضرر» و «ضرار» چیست؟ (۰/۵ نمره)

جواب: «ضرر» بر نفس نقص دلالت دارد، (۰/۲۵ نمره) اما «ضرار» بر ضرری که از فاعل از روی عمد و قصد صادر می‌شود، دلالت می‌کند. (۰/۲۵ نمره)

۷- شیخ انصاری<sup>(ه)</sup> قائل است که کثرت تخصیص در حدیث «لا ضرر و لا ضرار» مستهجن نیست زیرا تخصیص با عنوان واحد محقق شده است، اما آخوند خراسانی<sup>(ه)</sup> در نقد ایشان می گوید در استهجان خروج اکثر تفاوتی بین خروج با عنوان واحد یا عناوین متعدده نیست. با توجه به توضیح فوق با تشریح تفصیل میرزای نائینی<sup>(ه)</sup> بین قضایای حقیقی و قضایای خارجی، تبیین کنید که ایشان در داوری بین پاسخ شیخ انصاری<sup>(ه)</sup> و اشکال آخوند خراسانی<sup>(ه)</sup> حق را به کدام یک می دهد؟ ج ۱ ص ۱۳۹-۱۷۵ نمره

جواب: ایشان تخصیص اکثر در قضایای خارجی را حتی با عنوان واحد مستهجن می داند (نمره ۰/۵) اما تخصیص اکثر در قضایای حقیقی را ممتنع نمی داند (نمره ۰/۵) و با توجه به این که حدیث «لا ضرر» از جمله قضایای خارجی است پس تخصیص اکثر از آن حتی با عنوان واحد نیز مستهجن است و در نتیجه حق با آخوند خراسانی است. (نمره ۰/۵)

۸- طبق قول کسانی که دلیل تقدّم حدیث «لا ضرر» بر ادله احکام اولیه را مساوی بودن نتیجه این تقدیم با مقتضای اصل عملی دانسته اند، به سوالات زیر پاسخ دهید. ج ۱ ص ۱۵۱ - ۱۷۵ نمره

الف) قائلین قول مذکور با وجود حدیث «لا ضرر» و ادله احکام اولیه، تمسک به اصول عملیه را چگونه توجیه می کنند؟

جواب: ایشان قائل اند که بین حدیث «لا ضرر» و ادله احکام اولیه تعارض وجود دارد و بعد از تساقط هر دو دسته دلیل نوبت مراجعه به اصل عملی می رسد. (نمره ۰/۵)

ب) قائلین قول مذکور، به کدام اصل عملی تمسک می کنند؟

جواب: براءت (نمره ۰/۵)

ج) نقد مصنف به قول مذکور را تبیین کنید.

جواب: با وجود جمع عرفی [حکومت] بین دو دلیل نوبت به تعارض و تساقط دو دلیل و مراجعه به اصل عملی نمی رسد. (نمره ۰/۵)

۹- درباره قاعده «نفی حرج» به سوالات زیر پاسخ دهید. ج ۱ ص ۱۷۲ - ۲ نمره

الف) مقصود از قاعده «نفی حرج» چیست؟ (نمره ۰/۵)

جواب: نفی هر حکمی که ثبوت آن بر بندگان مستلزم حرج باشد. (نمره ۰/۵)

ب) یکی از مستندات قرآنی قاعده «نفی حرج» را بیان کنید. (نمره ۰/۵)

جواب: آیه «مَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ» (الحج: ۷۸) و آیه «مَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ» (مائده: ۶) (نمره ۰/۵)

[بیان یک آیه کافی است نیازی به ذکر سوره و شماره آیه نیست]

ج) چرا درباره مقصود از قاعده «نفی حرج» اختلافی وجود ندارد؟ (۱ نمره)

جواب: زیرا مدرک قاعده آیه «مَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ» (الحج: ۷۸) است و عدم جعل حرج غیر از عدم تشریح احکامی که ثبوت آن ها مستلزم حرج است، معنای دیگری ندارد و با توجه به عدم احتمال معنایی دیگر در آیه، در مقصود قاعده «نفی حرج» اختلافی به وجود نیامده است. (۱ نمره)

۱۰- از دیدگاه مصنف اشکال دو مستند زیر درباره قاعده «غرور» چیست؟ ج ۲ ص ۱۵۷ و ۱۵۸ - ۲ نمره

الف) الحدیث العام فهو ما اشتهر بلسان «المغرور يرجع علی من غره» و قد نسب بعض الفقهاء ذلك الى النبي (صلی الله علیه و آله):

جواب: در مجامع روایی اهل سنت و شیعه، حدیثی با لسان مذکور به صورت روایت به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نسبت داده نشده است. (۱ نمره)

ب) البیهقی فی سننه نقل عن الشافعی عن علی (علیه السلام): فی المغرور يرجع بالمهر علی من غره:

جواب: حدیث مذکور بر تقدیر تمامیت سند، اختصاص به مهریه دارد و نسبت به غیر مهریه عمومیت ندارد. (۱ نمره)

۱۱- به سوالات زیر درباره علم قیافه پاسخ دهید. ج ۲ ص ۱۹۶ - ۲ نمره

الف) علم قیافه را تعریف کنید. (نمره ۰/۵)

جواب: ملاحظه وجوه شباهت بین دو نفر در دست یا پا یا امثال این دو برای حکم کردن به این که مثلاً یکی فرزند دیگری یا یکی برادر دیگری است. (نمره ۰/۵)

ب) مشهور فقها علم قیافه را با چه شرطی حرام دانسته اند؟ (نمره ۰/۵)

جواب: در صورتی که با به کاربردن این علم قصد شود که با ملاحظه وجوه شباهت بین دو نفر احکام نسب بین آن دو مترتب شود. (نمره ۰/۵)

ج) مصنف غیر از روایات چه دلیلی را برای اثبات حرمت به کاربردن این علم کافی می داند؟ (۱ نمره)

جواب: همین مقدار که عمل به این علم مستلزم کنار گذاشتن قاعده فراش است که شارع این قاعده را تنها میزان حکم به نسب در موارد شک قرار داده است، برای اثبات حرمت آن کافی است. (۱ نمره)